

اصول تربیت توحیدی در دوره کودکی (مرحله تأدیب)

کیومرث قیصری گودرزی*

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی و استخراج اصول تربیت توحیدی در هفت سال دوم زندگی فرد است. این پژوهش با استفاده از روش های توصیفی، تحلیلی و استنتاجی به واکاوی متون اسلامی در رابطه با تربیت توحیدی در هفت سال دوم زندگی که در تعالیم دینی از آن با عنوان «دوره تأدیب» نام برده می شود پرداخته است. در این دوره کاهش خود محوری و پدید آیی روحیه اطاعت پذیری و توسعه نسبی مؤلفه های معرفتی، عاطفی و عملی، زمینه را برای آغاز آموزش رسمی فراهم می آورد. در این پژوهش تربیت توحیدی با هدف بستر سازی و ایجاد آمادگی روحی و روانی در کودک به منظور ایجاد مبنایی برای استقرار و بنیان نهادن نگرش توحیدی در دیگر مراحل رشد، در سه بعد شناختی، عاطفی و ارادی (عمل) مورد بررسی قرار گرفت که از مهم ترین یافته های آن می توان به مواجهه با مفهوم واقعی زندگی، زمینه سازی درک مقدماتی مفهوم عبودیت، اثبات استدلالی وجود خدا، آشنایی کودک با صفات جمالی و جلالی خدا، شناخت خداوند از طریق سیر آفاقی، شکل گیری محبت مبتنی بر شناخت، پرورش احساس مسئولیت درباره خدا، پرورش و ارتقای گرایشات درونی انسان، تشویق کودک به رابطه با خدا، ایجاد آمادگی لازم برای مواجهه با تکالیف الهی، آموزش عملی و متعهدانه مفاهیم دینی و ارتباط با گروه ها و اجتماعات مذهبی اشاره نمود.

واژگان کلیدی: توحید، تربیت توحیدی، تربیت اسلامی، کودکی، تأدیب.

مقدمه

استقرار نگرش جامع توحیدی، در متری و تنظیم جهت گیری او به سوی خدا، همواره یکی از مهم ترین دغدغه های پیام آوران الهی و مریبان تربیت دینی بوده و هست: «وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛ و خدای شما، خداوند یگانه ای است که غیر از او معبودی نیست! اوست بخشنده و مهربان» (بقره، ۱۶۳). رهایی از حیطه کثرت های وهمی و درآمدن به وادی وحدت و یگانگی و سیراب شدن از آبشخور زلال توحید هدف نهایی تربیت توحیدی و صیورورت انسان به سوی خداست.

توحید از ریشه «وحد» گرفته شده است که دلالت بر انفراد و یگانگی دارد. توحید در اسلام به معنای یکی دانستن خدا و اعتقاد به یگانگی اوست (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳). اعتقاد تحقیقی به توحید، مهم ترین و جامع ترین موضوعی است که قرآن درباره آن به طور گسترده بحث می کند (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۲۳). در روایات اسلامی نیز توحید جایگاه ویژه ای دارد و از آن با عنوان اساس دین،^۱ بهای بهشت،^۲ بالاترین سخن،^۳ برترین عبادت^۴ و محبوب ترین کلام در نزد خدا^۵ نام برده شده است.

هرچند پژوهش های فراوانی در خصوص مباحث کلامی، فلسفی و عرفانی توحید صورت پذیرفته است و پژوهشگران و اندیشمندان مختلف به تبیین و تفسیر مفهوم توحید، اقسام و مراتب و بیان ادله اثبات توحید پرداخته اند؛ اما کمتر به سازوکار تحقق عینی و عملی آن در فرایند تربیت، روند ساخت و استقرار نگرش توحیدی در متری و در نهایت تغییرات و دگرگونی های لازم در ساحت های مختلف وجود آدمی، برای برای تبدیل شدن به فردی موحد پرداخته شده است. غفلت از فقر موجود در حوزه تئوری های بنیادی تعلیم و تربیت اسلامی و کمبودهای اساسی در زمینه نظریه پردازی، الگوسازی و تشکیل ساختارهای تربیتی متناظر باعث تقلیل مفهومی تربیت اسلامی به ارائه مفاهیم کلی در خصوص محتوای تئوریک دین در بعد نظری و یا دعوت به انجام صرف مناسک، آیین ها و عبادات در بعد عملی می شود، بی آنکه به تشکیل هویت جامع توحیدی در متری منجر شود.

رزاقی (۱۳۷۹) با نقد نظام تعلیم و تربیت ایران معتقد است آن چنان که لازم است بر هدف متعالی توحید تأکید نشده است. علم الهدی (۱۳۷۹) بیان می دارد اقدامات عملی اجرا شده در

۱. امام صادق علیه السلام: «أساس الدین التوحید؛ اساس دین توحید است» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۱۴).

۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: «التوحیدُ نَمْرُ الْجَنَّةِ؛ توحید، بهای بهشت است» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ص ۴۰۸).

۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: «ما قُلْتُ ولا قَالَ الْقَائِلُونَ قَبْلِي مِثْلُ: لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ؛ نه من و نه گویندگان پیش از من، سخنی چون لا اله الا الله نگفته ایم» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵، ص ۵۴۳).

۴. النبی اکرم صلی الله علیه و آله: «ما من الکلام کلمة أحب إلى الله عزوجل من قول لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ؛ هیچ سخنی نزد خداوند، محبوب تر از گفتار لا اله الا الله نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۱۹۶).

۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: «خیر العبادة قول «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ»؛ بهترین عبادت، گفتن «لا اله الا الله» است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۷۳).

نظام آموزش و پرورش به استقرار نگرش توحیدی در متربیان منتهی نشده است و نتیجه این اقدامات منطبق با اهداف قابل استناد به متون اسلامی، یعنی توحید نیست. علی‌خواه (۱۳۸۸) تربیت فطری را منشأی برای دیگر انواع تربیت قلمداد نموده و معتقد است برای رسیدن به کمال و هدف آفرینش باید برنامه‌ای بر اساس فطریات و سرشت توحیدی انسان طراحی شود.

بی‌توجهی به سازوکار تحقق عینی و عملی توحید در فرایند تربیت، تقلیل‌گرایی و بی‌توجهی به ساحت‌های مختلف وجود آدمی، جایگزین شدن تدریجی اهداف میانی، مانند مبادی آداب اسلامی شدنِ متری به جای هدف غایی توحید، داشتن نگاه مقطعی در فرایند تربیت و بی‌توجهی به گستره حیات آدمی، ظاهرگرایی و غفلت از ساخت شاکله و هویت توحیدی، عدم تناسب تربیت با وسع، ظرفیت و ظرافت‌های هر مرحله سنی از جمله چالش‌های قابل طرح در این زمینه است (قیصری، ۱۳۹۶، ص ۷). از آنجا که یافتن الگویی مستدل و روشن، در خصوص نحوه تبیین و استقرار نگرش توحیدی در فرد و جامعه، می‌تواند راهگشای اصلی مسائل و معضلات تربیتی، به‌ویژه در جهان معاصر، باشد، این پژوهش به بررسی اصول تربیت توحیدی در مرحله تأدیپ می‌پردازد.

انسجام بهتر مؤلفه‌های ایمان به خدا در مقایسه با دوره سیادت، نقش آفرینی چارچوب‌های فرهنگی و اجتماعی در ایجاد تصور کودک از خدا، بیرونی بودن خاستگاه انگیزه ایمانی و پدیدایی ایمانی آگاهانه، داستانی و تحت‌اللفظی برای دوره سنی ۷ تا ۱۲ سال (نوذری، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶-۱۴۷) تغییر تدریجی تصور انسان‌انگارانه کودک از خدا به انسانی فوق‌العاده و سپس وجودی فوق طبیعی (باهنر، ۱۳۷۸، ص ۸۷)، قرار داشتن در مرحله ایمان جزمی نگر (جنیا،^۱ ۱۹۹۵)، به نقل از: نوذری، (۱۳۸۹) داشتن احساساتی مانند خوشحالی، آرامش و در موارد بسیار کمتری ترس در رابطه با خدا (چاری و نصیرزاده، ۱۳۸۶) از جمله نکات قابل توجه در این مرحله سنی است.

گفتنی است، نویسنده در مقاله‌ای دیگری با عنوان اصول تربیت توحیدی در دوره کودکی (مرحله سیادت)^۲ به بررسی اصول حاکم بر فرایند تربیت توحیدی در دوره سیادت در سه حیطه شناختی، عاطفی و عمل پرداخته است که از یافته‌های مهم آن می‌توان به آموزش توحید به‌عنوان نخستین آموزش رسمی در اسلام، تصحیح تفکر خام کودکان در رابطه با خدا، معرفی اسما و صفات خداوند به جای تلاش در جهت اثبات وجود خدا، اجتناب از ارائه توضیحات ناقص و گمراه‌کننده، استفاده از زبان و ادبیات متناسب با فهم کودک، تقلید و الگوگیری از والدین، تربیت بر مدار محبت، ترسیم چهره صمیمی و مهربان از خدا در ذهن کودک، پرورش گرایش‌های ویژه درونی از جمله کنجکاوی و زیبایی‌شناسی کودک، تناسب فعالیت‌های عملی با امیال و آزادی

1. Jenia

۲. فصلنامه علمی-پژوهشی «پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی».

کودک و به‌کارگیری اصول سهیل‌گیری و تکرار در تربیت اشاره نمود (قیصری گودرزی و سلحشوری، ۱۳۹۷، ص ۵-۳۷).

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش بر مبنای رویکرد اکتشافی-استنباطی و با استفاده از روش‌هایی مانند «تحلیل مفهومی» و «استنتاج» صورت گرفته است. در رویکرد اکتشافی-استنباطی، مبانی و کلیات بحث از متون دینی کشف و استخراج می‌شود، سپس براساس مبانی اکتشاف و استخراج‌شده، یافته‌های جزئی استنتاج می‌شوند (باقری، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲). «تحلیل مفهومی» تحلیلی است که ما به واسطه آن به فهم معتبری از معنای یک مفهوم و یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط دست می‌یابیم (کومبز و دنیلز،^۱ به نقل از: شورت، ۱۳۸۷، ص ۴۷). در روش استنتاجی فرض بر آن است که هر نظام فلسفی می‌تواند متضمن نظریه‌ای تربیتی باشد، پس استلزام‌ها و تجویزهایی را برای تنظیم مناسب محیط‌های تربیتی فراهم می‌آورد. این کار توسط استنتاج عملی صورت می‌پذیرد که از دو مقدمه و یک نتیجه تشکیل شده است. یکی از مقدمات توصیفی و مقدمه دیگر و نتیجه از سنخ تجویزی است (باقری و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴) اصل دارای ماهیتی هنجاری، و ناظر به «باید» هاست؛ از این جهت با «مبنا» متفاوت است که خود منشأ اشتقاق اصل است و ماهیتی کاملاً توصیفی دارد و ناظر به «هست»‌ها و «ویژگی‌ها» است. «اصل»‌ها همان قوانین حاکم بر اعمال تربیتی‌اند که با توجه به ظرفیت‌ها و استعدادهای متربی، یعنی مبانی انسان‌شناسی شکل گرفته‌اند (مشایخی، ۱۳۸۱، ص ۵۲). در این پژوهش برای استخراج اصول تربیت توحیدی در دوره تأدیب، ابتدا ویژگی‌های انسان در این مرحله و در ارتباط با ابعاد سه‌گانه تربیت، یعنی بعد شناختی، عاطفی و عملی بررسی و تحلیل شد، سپس متناسب با این ویژگی‌ها و با در نظر گرفتن هدف‌گایی توحید، اهداف تربیت توحیدی در این دوره استنباط شد و سرانجام با نظر به گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها) و اهداف به استنتاج اصول و ملاحظات تربیتی مبادرت شد.

گفتنی است از آنجا که ابعاد مختلف شناختی، عاطفی و عملی در وجود آدمی دارای برهم‌کنش و تبادل می‌باشند، در استنتاج اصول تربیتی گاه از دو یا چند گزاره واقع‌نگر و یا چند هدف که دارای هم‌پوشانی هستند و یا ترکیبی از گزاره‌های واقع‌نگر مثلاً شناختی و عاطفی در تعامل با هم استفاده شده است. برای نمونه، گرایش به کنجکاوی کودک که از جمله گرایش‌های عاطفی است نقش مهمی در اصول تربیتی بعد شناختی ایفا می‌کند. آنچه اهمیت دارد درک این

1. Coombs & Daniels

مطلب است که این مرزبندی‌های گوناگون، بیشتر برای درک بهتر مسئله صورت می‌پذیرد؛ در حالی که در منظومه وجود آدمی با یک کل یکپارچه مواجه هستیم و به هیچ‌وجه نمی‌توان مرزی قاطع و نفوذناپذیر میان ابعاد مختلف وجود آدمی قائل شد.

تربیت توحیدی در دوره کودکی (دوره تأدیب)

با ورود کودک به سن ۷ سالگی دوره جدیدی از زندگی و تربیت وی آغاز می‌شود که از منظر تعالیم اسلام یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مراحل تربیت کودک به‌شمار می‌رود. کسب ویژگی‌های تازه، کودک را مهیای ورود به دوره تأدیب می‌سازد. اگر دوره سیادت با ویژگی‌هایی مانند خودمحوری، فرمان‌روایی و ریحانه بودن برای کودک در نظر می‌گرفته می‌شد، در این دوره سخن از عید بودن و اطاعت‌پذیری کودک است که خود حاکی از لزوم ایجاد تغییرات اساسی در رویه‌های تربیتی است. از این دوره - در منابع اسلامی - با عنوان دوره اطاعت و تأدیب کودک نام برده می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «و عبد سبع سنین»؛ فرزند هفت سال فرمانبردار است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۷۶). امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: در هفت سال دوم به تربیت و ادب کردن فرزند اقدام کن (محمدری شهری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۷). گفتنی است تنها کودکانی دارای آمادگی لازم برای ورود به مرحله تأدیب و ادب‌آموزی هستند که دوره سیادت خود را به خوبی سپری کرده باشند و مزه محبت خالص و فراگیر والدین را چشیده و از امنیت و آزادی لازم در آن دوره برخوردار بوده باشند. در روایات اسلامی نیز شروع رسمی تأدیب به ۷ سالگی موکول شده است. تأدیب آن است که باید الگودهی به شخصیت کودک را براساس راهبردهای دینی در دستور کار تربیتی قرار داد. در این مرحله آداب ظاهری و رفتاری بیشتر مورد توجه قرار دارد و آداب باطنی چندان مورد نظر نیست. منظور از تکلیف کردن، آن نیست که به علایق و انگیزه‌های کودک توجه نشود؛ بلکه آن است که کودک باید خود را در برابر تکلیف موظف احساس کند و بداند اگر تن به تکلیف ندهد با الزام‌هایی روبه‌رو خواهد شد (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶-۲۵۸). بهتر است آغاز ورود کودک به دوران رسمی تربیت را در ۷ سالگی جشن گرفت تا با این کار متوجه شود وارد فضای زندگی مؤدبانه شده است. جشن ادب به‌میزان بسیار زیادی موفقیت جشن تکلیف را افزایش خواهد داد (پناهیان، ۱۳۹۰).

ویژگی‌های کودک در دوره تأدیب

پرداختن به تربیت توحیدی در دوره کودکی در گرو داشتن تصویری واقعی از ویژگی‌ها و خصوصیات کودک در این مرحله از حیات است که از طریق بررسی آیات و روایات و همچنین نتایج پژوهش‌ها و بررسی‌هایی میسر می‌شود که توسط دین‌پژوهان، علمای تعلیم و تربیت و دیگر

پژوهشگرانی که به بررسی مراحل رشد و تکامل انسان پرداخته‌اند، به انجام رسیده است. در ذیل به بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره پرداخته می‌شود:

کودکی دوره ضعف اولیه انسان

خداوند از دوره کودکی به‌عنوان دوره ضعف نخست یاد نموده، می‌فرماید: «خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید...» (روم، ۵۴). ضعف اولیه انسان در دوره کودکی سراسری و فراگیر است (قرائتی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۵۴۶). این ضعف که شامل ضعف جسمی، روحی و عقلی است، زمینه خلقت نوع بشر قلمداد شده، دارای عمومیت است. گفتنی است که این نوع ضعف مقطعی و ناظر به آفرینش انسان در این مرحله است؛ از این‌رو، حمایت و فراهم آوردن امنیت و شرایط مناسب برای پرورش روحی، عقلی و جسمی کودک مهم‌ترین نیاز این مرحله است که باید توسط والدین و اطرافیان تأمین شود.

فطرت الهی کودک

خداوند به وجود فطرت الهی در انسان اشاره می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰)، در این آیه سخن از توحید فطری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۴۱۷). امام صادق علیه السلام در پاسخ به اینکه فطرتی که خدا در این آیه از آن سخن می‌گوید چیست آن را توحید قلمداد می‌کند (حر عاملی، ۱۴۲۲ق، ص ۷۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در حدیثی می‌فرماید: «كُلُّ مُوَلَّدٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ حَتَّى يَكُونَ أَبُوهُ يَهُودَانِهِ وَ يُنْصَرَانِهِ» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۴)، یعنی هر نوزادی بر فطرت (توحید و اسلام) متولد می‌شود و این فطرت همچنان ادامه دارد تا پدر و مادر، او را به آیین دیگری، آیین یهود و نصرانیت، بار آورند. فطرت در کودک به سبب پاکی و طهارت وجودی و عدم آلودگی و اشتغال به گناه و گرایش‌های دنیایی از حضور ناب‌تری برخوردار است.

ویژگی‌های شناختی کودک

کودک در این مرحله درک و شناخت محدودی دارد، «وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا؛ و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید» (نحل، ۷۸). این آیه ناظر به علوم حصولی است و علوم حضوری و فطری را دربر نمی‌گیرد؛ زیرا در ادامه

آیه به ابزار دستیابی به علوم حصولی اشاره شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۴۵۱). مسیر شناخت و یادگیری نیز بیشتر از طریق حواس ظاهری و معطوف به امور محسوس و ملموس است («... وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ...»؛ و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد...) (نحل، ۷۸). از جمله ویژگی‌های دیگر، بعد شناختی آن است که یادگیری‌هایی که در این مرحله از زندگی صورت می‌گیرد بسیار پایدار است و در ضمیر ناخودآگاه فرد ثبت می‌شود. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صَغَرِهِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ؛ حکایتِ آموختن علم در خردسالی، همچون نقشی است که روی سنگ کنده می‌شود» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ص ۱۴۰).

برخی از ویژگی‌های شناختی کودک در زمینه اندیشه‌ورزی و دستیابی به مراتب مقدماتی شناخت عبارت‌اند از: گذر از الگوی تفکر صرف مبتنی بر ادراک مشهود و کسب قابلیت نسبی اندیشیدن در چارچوب فرایندها، درک تدریجی رابطه علی میان پدیده‌ها (فولر، ۱۹۹۵، ص ۱۳۵ به نقل از: نوذری، ۱۳۸۹)، درک تدریجی مفاهیم زمانی و مکانی، جایگزینی تفکر نسبتاً مرکب منظم به جای فکر در هم ریخته دوره پیشین، افزایش استعداد دقت، ارتقای قدرت حفظ و نگهداری مفاهیم و معانی، انتقال از مرحله پیش‌عملیاتی^۱ به دوره عملیات عینی^۲، کسب تدریجی توانایی استفاده از قواعد منطقی در تفکر، استفاده از تفکر و قدرت تخیل در خصوص حل مسئله (باهنر، ۱۳۷۸، ص ۳۲-۴۵)، برجسته بودن فرایند تقلید و الگوگیری در ساز و کار شناختی (تراشیون، ۱۳۹۴)، نقش‌آفرینی عنصر تخیل و گمان در ایجاد پیوند میان تجارب عینی با تصاویر ذهنی، کم بودن ذخیره تجربیات و ظرفیت مفهوم‌سازی، فقدان و یا ناچیز بودن قدرت انتزاع فکری، تجلی‌گرایی به حقیقت‌جویی در قالب کنجکاوی (آزاد منش، سجادیه و باقری، ۱۳۹۵).

با وجود پدیدایی توانمندی‌های گوناگون، اندیشیدن هنوز به چارچوبی حسی، عینی و مرتبط با اشیا محدود می‌شود. این محدودیت سبب می‌شود که فهم کودک، فهمی محصور در کلمات، سطحی و لفظی باشد. کودک نمی‌تواند با تأمل در معانی به گزاره‌های کلی‌تر دست یابد و معانی به صورت تحت‌اللفظی درک می‌شود (نوذری، ۱۳۸۹).

ویژگی‌های عاطفی (گرایشی) کودک

برخی ویژگی‌های گرایشی کودک در این مرحله عبارت‌اند از: تمایل به داشتن رابطه با تکیه‌گاهی مطمئن و استوار (نوذری، ۱۳۸۹)، برجستگی تمایلات و دلبستگی در کودک، وجود گرایش به زیبایی و توانایی درک زیبایی‌های ملموس و مشهود (آزادمنش، سجادیه و باقری، ۱۳۹۵) تمایل به

1. per operational

2. concrete operational

پیوند با اجتماع و گروه‌های ایمانی، پدیدایی توانایی «نگهداری احساسات» و «دوام‌پذیری ارزش‌ها» (منصور، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱)، پیدایش ظرفیت ارزش‌گذاری و حفظ ارزش‌ها (نوذری، ۱۳۸۹) و توانایی تمایز نسبی میان خوبی و بدی (فرهادیان، ۱۳۹۰، ص ۶۸).

ویژگی‌های ارادی (عملی) کودک

رشد جسمی کودک همراه با توانایی پرداختن به امور دشوارتر (فرهادیان، ۱۳۹۰، ص ۶۸)، تداخل میل و اراده و فقدان تشکیل اراده‌ای منسجم (آزادمنش، سجادیه و باقری، ۱۳۹۵)، ظهور تدریجی اراده، پیدایش روحیه و وظیفه‌گرایی و تکلیف‌گرایی، غلبه داشتن انگیزه بیرونی بر انجام فعالیت (نوذری، ۱۳۸۹)، شکل‌گیری تدریجی شاکله بر اثر تأثیر و تأثر مستمر میان ظاهر و باطن (آزادمنش، سجادیه و باقری، ۱۳۹۵)، اهمیت فعالیت و بازی در شکل‌گیری شخصیت کودک از جمله خصیصه‌های کودک در این مرحله است: «اعْلَمُوا أَنَّ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لَعَبٌّ...» (حدید، ۲۰).

مفهوم خدا از دیدگاه کودک

هرچند تصور خدا در این مرحله نیز با ویژگی‌های مادی‌گرایانه، انسان‌انگارانه، تخیلی و متأثر از نمادها و اندیشه‌های مذهبی و فرهنگی حاکم بر محیط زندگی کودک درهم آمیخته است؛ اما کودک در یک سیر تدریجی-تکاملی تلاش می‌کند خود را از الگوها و محدودیت‌های مرحله گذشته برهاند. خدا در ذهن کودک ۷ تا ۹ ساله، بیشتر انسانی فوق‌العاده است تا وجودی فوق‌طبیعی. کودک برداشتی تحت‌اللفظی و تجسم‌یافته از مفاهیم مذهبی دارد؛ مثلاً برداشتش از «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» معنای جسمانی آن است. تصور خدا در ذهن کودک ۹ تا ۱۲ ساله تلاش برای عبور از تصویر فوق‌انسانی به فوق‌طبیعی است (باهنر، ۱۳۷۸، ص ۸۷). کودک تلاش می‌کند تا از تصورات خیالی درباره خدا فاصله بگیرد و تصویری مشابه تصور رایج در بین بزرگسالان از خدا و صفات او ارائه دهد. کودک در کنار ساختن جهان‌بینی مادی، ساختن جهان‌بینی دینی را نیز استمرار می‌بخشد (نوذری، ۱۳۸۹).

اهداف تربیت توحیدی در دوره تأدیب

در این دوره تمایز یافتگی و انسجام مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و عملی کودک در رابطه با خدا به تدریج رشد می‌کند؛ به‌گونه‌ای که کودک در انتهای این دوره قادر به دستیابی به درکی کلی-اما ابتدایی- در رابطه با خدا می‌گردد. حصول این ویژگی‌های جدید، کودک را مهیای تأدیب و آموزش مستقیم می‌گرداند و او را آماده ورود به عرصه تن دادن به تکالیف تربیتی و آراسته شدن به زیور ادب

می‌نماید؛ اما این تمایز و انسجام در سطحی نیست که بتوان از تربیت ناب توحیدی سخن راند؛ زیرا ارادهٔ کودک هنوز متأثر از امیال و دلبستگی‌های او بوده و توانایی تفکر در خصوص پدیده‌های غیر محسوس در مراتب اولیه قرار دارد و از سوی دیگر، نگاه کلان‌نگر و توانایی درک پدیده‌ها در قالب یک کل هنوز در کودک به صورت شایسته شکل نگرفته است و او قادر به سازماندهی این مؤلفه‌ها در قالب یک نظام معنایی کلان و منسجم نیست. به همین علت اقدامات تربیتی مطرح‌شده در این مقطع بیشتر جنبه تمهیدی و زمینه‌سازی دارد. در دورهٔ تأدیپ، هدف اصلی تربیت توحیدی عبارت است از: بسترسازی و ایجاد آمادگی روحی و روانی در کودک به منظور ایجاد مبنایی برای استقرار و بنیان نهادن نگرش توحیدی در مراحل دیگر زندگی. از این‌رو، با نظر به ویژگی‌های کودک و هدف غایی توحید می‌توان به استنباط اهداف تمهیدی تربیت توحیدی در این دوره مبادرت نمود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: دستیابی به شناختی مقدماتی از زندگی، درک مقدماتی مفهوم عبودیت به صورت عملی، دستیابی به درک استدلالی درباره خدا، گسترش اندیشه‌ورزی کودک درباره خدا، شکل‌گیری محبت مبتنی بر شناخت نسبت به خدا، ایجاد احساس مسئولیت اولیه نسبت به خدا، پرورش و ارتقای گرایش‌های درونی انسان از جمله گرایش به خیر در کودک، برقراری رابطه عبادی با خدا، زمینه‌سازی برای شکل‌گیری مناسب رابطه کودک با خدا، ایجاد زمینه شکل‌گیری عادت‌های مطلوب در کودک، آشنایی و ورزیده ساختن کودک برای ورود به عرصه تکلیف.

ابعاد سه‌گانهٔ تربیت توحیدی

در تربیت، به‌طور عام، و در تربیت توحیدی، به صورت خاص، باید به رشد همه‌جانبه و متوازن شخصیت متربی در ابعاد مختلف توجه داشت. بحث از ابعاد تربیت همواره مورد توجه کارشناسان تعلیم و تربیت بوده و به گونه‌های مختلف به تفسیر و طبقه‌بندی آن پرداخته‌اند. برخی صاحب‌نظران، از جمله بلوم^۱، تربیت را در سه حیطه شناختی، عاطفی و ارادی به بحث نهاده‌اند که حیطه نخست دربرگیرنده دانش و توانایی و مهارت‌های عقلی، حیطه دوم دربرگیرنده احساسات، ارزش‌ها و نگرش‌ها و حیطه سوم شامل مهارت‌های عملی و حرکتی و ارادی است (رحیمیان و رهبر، ۱۳۸۰، ص ۹۳). از آنجا که مکتب مقدس اسلام منطبق بر عالی‌ترین موازین شکوفایی فطرت آدمی است، نگرش محدود و یک‌بعدی در تربیت توحیدی نمی‌تواند ما را به هدف نهایی برساند؛ بنابراین در این پژوهش تربیت توحیدی در ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و عملی بررسی می‌شود.

بعد معرفتی در قالب نظام اعتقادی تجلی می‌یابد و برای انسان مبدأ، غایت و برنامه زندگی را

1. Bloom

مشخص می‌کند. بعد عاطفی حالت برانگیختگی رابطه با خداست که در قالب احساس آرامش، سکون، احساس اعتماد، اطمینان، وفاداری، تقاضا و شکرگزاری متجلی می‌شود و در مجموع «تجربه ایمانی» را شکل می‌دهد. بعد عملی از تبادل و تعامل دو بعد معرفتی و عاطفی ناشی می‌شود و گونه خاصی از زیستن، یعنی زندگانی موحدانه را بر فرد الزام می‌کند (نوذری، ۱۳۸۹، ص ۱۹).

اصول تربیت توحیدی در دوره تأدیب

اکنون با مشخص شدن ویژگی‌های کودک و اهداف تربیت توحیدی در دوره تأدیب می‌توان به استنتاج اصول تربیت توحیدی در این دوره مبادرت نمود که متناسب با ابعاد سه‌گانه تربیت توحیدی در سه حیطه شناختی، عاطفی و عمل، احصاء و ارائه می‌شوند.

۱. تربیت توحیدی-بعد شناختی

از آنجا که کودک با سرشتی الهی و میلی ربوبی آفریده شده است؛ وظیفه اصلی تعلیم و تربیت بارور نمودن و شکوفا کردن این فطرت الهی است، شناختی که در این مرحله مطمح نظر قرار می‌گیرد شناختی اجمالی و مقدماتی است که بسترساز شکل‌گیری جهان‌بینی فرد در ادوار دیگر زندگی قرار می‌گیرد.

۱-۱. مواجهه با مفهوم واقعی زندگی

جدول استنتاج شماره ۱

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
– دستیابی به شناختی نسبی و مقدماتی از زندگی	– رشد توانایی‌های ذهنی کودک – وجود زمینه اندیشه‌ورزی در کودک – امکان دستیابی به مراتب پایین شناخت برای کودک – حصول قابلیت اولیه اندیشه در چارچوب فرایندها – افزایش سطح تجربیات و ظرفیت مفهوم‌سازی
اصل:	
ضرورت مواجهه کودک با محدودیت‌ها و چهره واقعی زندگی	

رشد توانایی‌های ذهنی همراه با افزایش سطح تجربیات و کاهش خودمحوری، زمینه لازم را برای ورود کودک به قلمرو زندگی واقعی مهیا می‌کند. آنچه به‌عنوان مقدمه درک مفاهیم دینی مطرح

و حائز اهمیت است، مواجهه با چهره واقعی زندگی در این دوره است. در این مرحله کودک باید به تدریج با مفهوم زندگی آشنا شود. او که در دوره سیادت از حریت و بهره‌مندی و فرمان‌روایی برخوردار بود، اکنون لازم است به تدریج با روی دیگر زندگی، یعنی اطاعت و فرمان‌برداری و محدودیت نیز آشنا شود تا بتواند در نگاهی کلی به شناختی نسبی از حیات زمینی نائل آید. بدون کسب شناختی صحیح و واقعی از زندگی امکان دستیابی به توحید ناب وجود ندارد و مقدمات این شناخت باید در این مقطع از حیات کودک پی‌ریزی شود تا از تلقی اصل‌انگاری دنیا و تخیل بهشت موعود بودن آن و دستیابی به همه خواسته‌ها و آرزوها در زندگی دنیوی جلوگیری شود. آشنایی عملی با محدودیت‌های زندگی و ارائه تصویری واقعی از زندگی و هدف آن، به فراخور فهم و درک کودک می‌تواند زمینه مناسبی برای قرار گرفتن او در مسیر تربیت توحیدی تلقی شود.

۱-۲. زمینه‌سازی درک مقدماتی مفهوم عبودیت

جدول استنتاج شماره ۲

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - دستیابی به شناختی نسبی و مقدماتی از زندگی - آشنایی مقدماتی با مفهوم عبودیت 	<ul style="list-style-type: none"> - حصول قابلیت تأدیپ - کاهش خودمحوری - تمایل به تقلید و الگوگیری از دیگران - تمایل به اطاعت از دیگران
اصل:	
ضرورت آشنایی عملی با مفهوم عبودیت از طریق اطاعت از والدین	

کودک با گام نهادن در هفت سال دوم حیات خویش، یکی از حساس‌ترین مراحل زندگی خویش را در رابطه با تربیت، به صورت عام، و تربیت توحیدی، به صورت خاص تجربه می‌کند. ایجاد تغییر اساسی و بنیادی در جایگاه او از سیادت و فرمان‌روا بودن به عبد و فرمان‌بردار بودن، اگرچه شگرف و بزرگ است، اما متناسب با روحیات و ویژگی‌های روانی او است. کودکی که مرحله قبل را مطابق تعالیم اسلامی در امنیت و بهره‌مندی و محبت کامل سپری کرده باشد، اینک پذیرای این جایگاه جدید خواهد بود و جان او تشنه اطاعت و آموختن است.

مقدمه درک مفهوم عبودیت و اطاعت از خدا در این دوره با اطاعت از والدین و مربیان در نهاد کودک شکل می‌گیرد و او که در گذشته طعم محبت کامل و خیرخواهی والدین خود را درک کرده، در این مسیر وجدان می‌نماید که اطاعت از چنین افرادی موجب تعالی و پیشرفت او خواهد شد. البته

کودک باید بداند که خود این پدر و مادری که ارباب هستند، نیز عبد خدا هستند. فرزندسالاری با ایفای نقش ارباب در این مرحله سنی، لطمه بزرگی به فرایند تربیت وارد می‌کند (پناهیان، ۱۳۹۰).

۱-۳. اثبات استدلالی وجود خدا

جدول استنتاج شماره ۳

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - افزایش شناخت کودک نسبت به خدا - گسترش اندیشه‌ورزی کودک نسبت به خدا - دستیابی به درک استدلالی درباره خدا 	<ul style="list-style-type: none"> - رشد توانایی‌های ذهنی کودک - افزایش سطح تجربیات و ظرفیت مفهوم‌سازی - حصول قابلیت مقدماتی اندیشه در چارچوب فرایندها - درک روابط علی و معلولی میان پدیده‌ها - محدود بودن درک کودک در درک سطحی و لفظی - حصول توانایی به‌کارگیری قواعد منطقی در تفکر
اصل:	
ضرورت استفاده از تجربیات شخصی کودک و زبان کودکانه برای اثبات وجود خدا	

در این دوره سنی تمایل کودک به دانستن درباره خدا افزایش یافته، پرسشگری و کنجکاوی ذاتی او، وی را به تفکر درباره چیستی و چگونگی خدا سوق می‌دهد. از سوی دیگر، افزایش تجربیات شخصی کودک و ارتقای سطح تفکر او زمینه را برای ارائه پاسخ‌های عمیق‌تر و دقیق‌تر نسبت به هفت‌سال نخست زندگی فراهم می‌کند. برخلاف دوره گذشته که تنها تصحیح مقدماتی نگرش کودک در رابطه با خدا مطرح‌نظر بود، در این مرحله می‌توان از طریق استدلال‌های غیرپیچیده و قابل درک برای کودک به اثبات وجود خدا نیز مبادرت ورزید؛ مثلاً از نظم موجود در آفرینش جهان هستی و تجربه شخصی کودک در ضرورت ایجاد نظم‌دهنده برای وجود نظم در مرتب نمودن وسایل و اتاق خویش، می‌توان در جهت اثبات وجود خدا بهره گرفت. بدیهی است که سطح استدلال‌های مطرح‌شده به فراخور سن و فهم کودک به تدریج افزایش می‌یابد.

۱-۴. آشنایی کودک با صفات جمالی و جلالی خدا

جدول استنتاج شماره ۴

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - گسترش اندیشه‌ورزی کودک درباره خدا - افزایش شناخت کودک نسبت به خدا 	<ul style="list-style-type: none"> - رشد توانایی‌های ذهنی کودک - وجود زمینه اندیشه‌ورزی در کودک - افزایش نسبی سطح تجربیات و ظرفیت مفهومی‌سازی
اصل:	
ضرورت آشنایی کودک با صفات جمالی و جلالی	

هر چند مقدمه این آشنایی در دوره سیادت پی‌ریزی شده، اما بستر اصلی این امر در این دوره از حیات کودک قرار دارد. والدین و مربیان باید بکوشند در این دوره مهم از حیات کودک، ضمن عمق‌بخشی بیشتر به شناخت کودک درباره خدا به تدریج دایره این شناخت را گسترده‌تر نمایند تا در پایان این دوره سنی کودک شناختی مناسب از اسما و صفات خداوند داشته باشد. امام سجاد (علیه السلام)، در رساله حقوق خویش، آشنا نمودن کودک با خدا را به‌عنوان یکی از وظایف اساسی پدر قلمداد نموده و می‌فرماید: «وَ أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ» (مروجی طبسی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۷). اگر در دوره سیادت تنها سخن از آشنایی کودک با صفات جمالی خدا بود در این دوره باید به تدریج و بی‌آنکه او را به سمت ترس‌هایی غیرواقعی از خدا سوق داد، کودک را با صفات جلالی حضرت حق نیز آشنا نمود تا کودک دریابد که با خدایی مهربان و بخشنده اما جدی و مقتدر روبرو است؛ زیرا که کسب چنین شناخت واقعی و حقیقی از خداوند متعال برای گام نهادن در وادی تکلیف امری حیاتی و ضروری است.

۱-۵. شناخت خداوند از طریق سیر آفاقی

جدول استنتاج شماره ۵

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - گسترش اندیشه‌ورزی کودک درباره خدا - افزایش شناخت کودک نسبت به خدا 	<ul style="list-style-type: none"> - رشد توانایی‌های ذهنی کودک - وجود زمینه اندیشه‌ورزی در کودک - وجود گرایش کنجکاوی در کودک - درک تدریجی روابط علی و معلولی میان پدیده‌ها - حصول تدریجی توانایی به‌کارگیری قواعد منطقی در تفکر - شناخت با حواس ظاهری و معطوف به امور محسوس است
اصل:	
ضرورت سوق دادن کودک به سیر آفاقی شناخت خدا	

آشنایی و بررسی شگفتی‌های آفرینش یکی از نخستین راه‌های دستیابی به شناخت و معرفت الهی است که خداوند متعال، در آیات متعدد قرآن کریم، به آن تأکید فرموده است. این راه ساده‌ترین و در عین حال همگانی‌ترین روش کسب معرفت محسوب می‌شود که برای کودک - که در ابتدای مسیر شناخت است - بهترین و در دسترس‌ترین راه به شمار می‌رود. شگفتی کودک در برابر پدیده‌های طبیعی، مانند آسمان، خورشید و ماه و ستارگان، شب و روز، کوه‌ها و درختان و دریاها و... می‌تواند بستر مناسبی برای تربیت توحیدی مهیا کند. از آنجا که گرایش به کنجکاو و پرسشگری کودک در نهایت بیداری خود است و کودک میل به کشف جهان پیرامون خود دارد، آشنایی با طبیعت و مظاهر شگفت‌انگیز آن می‌تواند روح پاک و بی‌آلایش او را به سوی خالق هستی سوق دهد و والدین و مربیان باید با معرفی این پدیده‌های طبیعی، به‌عنوان آیه و نشانه‌های الهی، نگاه او را به سوی حقیقتی بزرگ‌تر که همان شناخت خداوند متعال است، معطوف نمایند. شناخت خدا از طریق آیات آفاقی که یکی از لازمه‌های تربیت توحیدی است، در این مرحله در جان کودک پی‌ریزی می‌شود تا در دیگر مراحل زندگی با تقویت و ارتقای آن، فرد بتواند با در آمدن به آزمایشگاه طبیعت و کشف قوانین حاکم بر آن، به درک سنت‌های الهی و شناخت خدا نائل شود. آیات فراوانی در قرآن عهده‌دار تبیین این روش شناخت می‌باشند، روشی که در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز همواره بر آن تأکید شده است. «أَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ؛ مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده‌ایم و برای آن هیچ‌گونه شکافتگی نیست» (سوره ق، ۶). امام صادق (علیه‌السلام) در کتاب توحید مفضل، از توجه به خلقت و اندیشیدن در آفرینش الهی به‌عنوان راهی برای شناخت خداوند متعال بهره گرفته است.

۲. تربیت توحیدی - بعد عاطفی (گرایشی)

تربیت گرایشی یکی از ابعاد اساسی تربیت توحیدی در دوره کودکی است که تأثیری شگرف بر سلامت روحی انسان دارد و بسترساز گرایش و میل انسان در مسیر سیر توحیدی می‌باشد. در پرورش و تربیت گرایش‌های انسان باید به ضرورت رعایت تقدم و تأخر و سیر توالی و تکامل آنها اشاره نمود؛ زیرا بی‌توجهی به این مسئله می‌تواند مانعی جدی و اساسی در مسیر ربوبی شدن انسان قلمداد شود و او را از چشیدن طعم واقعی محبت الهی و عشق‌ورزی خالصانه به خدا محروم نماید.

۲-۱. شکل‌گیری محبت مبتنی بر شناخت

جدول استنتاج شماره ۶

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - ارتقا و پرورش گرایش فطری کودک به خدا - برقراری رابطه عاطفی با خدا 	<ul style="list-style-type: none"> - رشد توانایی‌های ذهنی کودک - کسب قابلیت نگهداری احساسات - تمایل به داشتن رابطه با تکیه‌گاهی مطمئن و استوار
اصل:	
ضرورت پی‌ریزی رابطه عاطفی کودک با خدا براساس محبت آگاهانه	

شکل‌گیری محبت مبتنی بر شناخت نسبت به خداوند متعال در این دوره آغاز می‌شود. با وسعت یافتن دایره معرفت کودک از خود و جهان اطراف و سوق یافتن اندیشه او از سوی والدین و مریمان به اینکه سرچشمه همه زیبایی‌ها، نعمت‌ها و خوبی‌ها خداست و درک اینکه حتی پدر و مادر - که تجسم عطف و مهربانی و بخشش می‌باشند - ساخته و پرداخته خدا می‌باشند و انسان اشرف مخلوقات خدا و محبوب خداست، به تدریج زمینه شکل‌گیری محبت آگاهانه در ضمیر کودک به وجود می‌آید و نسبت به خدا و خواست او احساس محبت و گرایش می‌نماید. این محبت درونی، شوق نزدیکی و ایجاد ارتباط با خدا را در کودک پدید می‌آورد. خداوند متعال در حدیثی قدسی به حضرت موسی (علیه السلام) می‌فرماید: «مردم را به من علاقه‌مند کن و آنان را نیز نزد من محبوب ساز. عرض نمود چگونه؟ وحی آمد: نعمت‌های مرا برای آنان بازگو کن، آنان خود عاشق من خواهند شد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ص ۴).

۲-۲. پرورش احساس مسئولیت درباره خدا

جدول استنتاج شماره ۷

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - ارتقا و پرورش گرایش فطری کودک به خدا - برقراری رابطه با خدا - زمینه‌سازی برای هدایت کودک به عرصه تکلیف 	<ul style="list-style-type: none"> - رشد توانایی‌های ذهنی کودک - تمایل به داشتن رابطه با تکیه‌گاهی مطمئن و استوار - ظهور احساس وظیفه و تکلیف در کودک
اصل:	
ضرورت پی‌ریزی زمینه ایجاد احساس مسئولیت کودک نسبت به خدا	

زمینه‌سازی برای مهیا ساختن کودک برای ورود به عرصه تکلیف و زندگی عبودی از جمله اهداف اساسی تربیت توحیدی در این مرحله است. از آنجا که تن دادن به تکالیف و اوامر و نواهی الهی در گرو ظهور احساس وظیفه و مسئولیت در برابر آنهاست؛ بنابراین زمینه‌سازی برای پیدایش این امور از الزامات تربیت توحیدی قلمداد می‌شود. شکل‌گیری محبت آگاهانه نسبت به خداوند متعال در نهاد کودک به تدریج زمینه علاقه‌مندی کودک به خواست و فرمان‌های الهی را درون او به وجود می‌آورد. کودک تلاش می‌کند تا با رعایت آنچه خدا به آن فرمان داده است، زمینه جلب محبت بیشتر الهی را نسبت به خود فراهم آورد و از انجام کارهایی که سبب ناخشنودی خدا می‌شود، خودداری می‌کند. هنگامی که کودک درک کند که خدا او را دوست دارد و او حتی مهربان‌تر از پدر و مادر اوست و همیشه خیر و صلاح او را می‌خواهد، نسبت به اجرای دستورهای الهی علاقه‌مند می‌شود و خود را در برابر آنها مکلف می‌داند. این احساس مسئولیت که ناشی از محبت کودک نسبت به خدا و کسب رضایت او برخاسته است، نقش مهمی در سیر توحیدی شدن او در آینده بر عهده دارد.

۲-۳. پرورش و ارتقای گرایش‌های درونی انسان - گرایش به خیر

جدول استنتاج شماره ۸

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - شکوفایی گرایش‌های درونی انسان - پرورش گرایش به مصادیق خیر 	<ul style="list-style-type: none"> - کاهش خودمحوری کودک - توانایی تمییز نسبی میان خوبی و بدی - وجود گرایش فطری به خیر در وجود کودک
اصل:	
ضرورت پرورش و ارتقای گرایش‌های خیرمداری کودک	

وجود گرایش‌هایی مانند حقیقت‌جویی، خیرمداری، گرایش به کمال‌طلبی و گرایش به جمال و زیبایی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های انسان برای سیر توحیدی و بسترساز حرکت انسان به سوی مطلق حقیقت و خیر و زیبایی و کمال می‌باشند. هرچند پرورش این گرایش‌های درونی از دوره سیادت شروع می‌شود؛ اما در این مرحله مربیان و والدین باید توجه بیشتری به این امر مبذول دارند و ضمن تقویت و ارتقای مظاهر اولیه آنها، زمینه را برای ظهور تجلیات عمیق‌تر و بنیادی‌تر این گرایش‌ها فراهم کنند. با توجه به وجود گرایش به خیر و خوبی در نهاد کودک و حصول قابلیت نسبی تمایز میان خیر و شر در این دوره، لازم است والدین و مربیان به پرورش این گرایش فطری نیز

همت گمارند. ارائه مصادیق خیر به صورت عینی و یا در قالب داستان‌ها و هنرهای تصویری از آن جمله است. از آنجا که خداوند متعال سرچشمه همه خوبی‌ها و خیر مطلق است لازم است این گرایش تقویت شود تا کودک به خوبی‌ها و مصادیق آن گرایش یابد تا زمینه‌ای برای تقرب به منشأ همه خوبی‌ها در ادوار دیگر زندگی مهیا شود.

۲-۴. تشویق کودک به رابطه با خدا

جدول استنتاج شماره ۹

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - برقراری رابطه عاطفی با خدا - زمینه‌سازی شکل‌گیری مناسب مواجهه کودک با خدا - زمینه‌سازی برای ورود کودک به عرصه تکلیف 	<ul style="list-style-type: none"> - برجستگی تمایلات و دلبستگی در کودک - غلبه انگیزه بیرونی در انجام عبادات
اصل:	
ضرورت تحریک و تشویق کودک نسبت به برقراری رابطه با خدا	

تشویق کودک به عبادت و داشتن رابطه با خدا در این دوره سنی می‌تواند نقشی مؤثر و اساسی در زمینه‌سازی، آمادگی و ایجاد و تداوم رابطه صحیح با خدا در سایر مراحل زندگی داشته باشد؛ زیرا در این دوره سخنی از اجبار و سخت‌گیری و الزام وجود ندارد و می‌تواند حلاوت رابطه با خدا را به کام کودک بچشاند. کودک از تحسین و تشویق لذت می‌برد و با توجه به برجسته بودن تمایلات و دلبستگی‌های کودک، این اصل نقش بسزایی در سوق دادن کودک به ارتباط با خدا ایفا می‌کند. تشویق با ایجاد رضایت روحی و ارتقای انگیزه فرد، او را به سوی انجام اعمال عبادی سوق می‌دهد و درهم شکننده سستی و بی‌میلی در انجام امور است. هرچند که اصل تشویق، ترغیب و تحسین، اصلی فراگیر و دربرگیرنده همه عمر و تمامی انسان‌ها است و در قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام به کرات به آن پرداخته شده است؛ اما به‌کارگیری آن در این دوره با توجه به آنکه کودک هنوز به فهمی درخور و شایسته در خصوص فلسفه عبادات دست نیافته، از اهمیت بیشتری برخوردار است. استفاده از تشویق‌های کلامی و مادی و اتخاذ تدابیر و تمهیدات مناسب جهت حضور با نشاط و فرح‌انگیز کودکان در برنامه‌ها و آیین‌های عبادی می‌تواند عاملی تأثیرگذار بر ایجاد اشتیاق و جذب آنها به این امور باشد.

۳. تربیت توحیدی بعد عملی

اگرچه کودک در این برهه از زندگی نیز از داشتن تکالیف الزام‌آور دینی معاف است، اما ضرورت آماده‌سازی وی برای ورود به عرصه تکلیف و عمل به دستورها و فرمان‌های الهی، وجود تکالیف تربیتی به منظور ایجاد آمادگی روحی و جسمی در کودک را در این دوره اقتضا می‌نماید.

۳-۱. ایجاد آمادگی لازم برای مواجهه با تکالیف الهی

جدول استنتاج شماره ۱۰

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - زمینه‌سازی برای شکل‌گیری مناسب مواجهه با خدا - زمینه‌سازی برای ورود کودک به عرصه تکلیف - ایجاد عادت‌های مطلوب در کودک - آشنایی و ورزیده ساختن کودک برای انجام عبادات 	<ul style="list-style-type: none"> - شکل‌گیری تدریجی شاکله - رشد توانایی‌های ذهنی - رشد توانایی‌های جسمی - ظهور تدریجی اراده
اصل:	
ایجاد آمادگی و بسترسازی برای مواجهه کودک با تکالیف الهی	

زمینه‌سازی و ایجاد آمادگی لازم برای پذیرش فرمان‌ها و تکالیف الهی در زمان ورود به سن بلوغ از جمله مهم‌ترین اصول تربیت در این مرحله است. در صورتی که کودک تا زمان رسیدن به مرحله بلوغ با تکالیف الهی آشنا نشود و آمادگی اولیه را برای انجام آنها کسب نکرده باشد، ممکن است با ورود به عرصه تکلیف و مواجهه یک‌باره با فرمان‌ها و دستورهای الهی آنها را دشوار یافته، دچار اعراض و یا بی‌میلی در برابر آنها شود. اما چنانچه انس و عادت لازم در دوره کودکی در فرد شکل گرفته باشد و بر اثر ممارست عملی و تصویرسازی مناسب و زیبا از عبادت توسط والدین در فضایی به دور از اجبار و سخت‌گیری، ورزیدگی روحی و توانایی جسمی لازم در کودک ایجاد شده باشد، وی آمادگی لازم برای ورود به عرصه تکلیف و تن دادن به دستورهای الهی را می‌یابد و از تعهد و توانمندی لازم برای عمل به فرامین الهی برخوردار می‌شود.

۳-۲. آموزش عملی و متعهدانه مفاهیم دینی

جدول استنتاج شماره ۱۱

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - زمینه‌سازی برای شکل‌گیری مناسب مواجهه با خدا - آشنایی عملی با مفهوم عبودیت و اطاعت - ایجاد عادت‌های مطلوب در کودک - آشنایی و ورزیده ساختن کودک برای انجام عبادات 	<ul style="list-style-type: none"> - تمایز یافتگی و انسجام بیشتر مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و عملی کودک در رابطه با خدا - شناخت معطوف به امور محسوس و ملموس می‌باشد - علاقه به یادگیری و آموزش - افزایش قدرت حافظه و نگهداری آموخته‌ها
اصل:	
ضرورت آموزش عملی و متعهدانه در تربیت کودک	

حصول قابلیت‌های پیش‌گفته زمینه را برای آموزش مستقیم و عملی مفاهیم دینی به کودک مهیا می‌سازد که با توجه به مفاهیم دینی اغلب عمیق و پرمعنا می‌باشند. آموزش مستقیم این مفاهیم از ضرورتی انکارناپذیر برخوردارند. لازم است در دوره تأدیپ (به‌ویژه در سال‌های نخست) چون هنوز تفکر انتزاعی در کودک تکامل نیافته است، آموزش بیشتر از طریق عمل و ملموس نمودن مفهوم صورت پذیرد. هرچند این شیوه آموزش، اختصاصی به دوره کودکی ندارد و شیوه اصلی انتقال مفاهیم دینی در تعالیم ناب محمدی است، «مردم را با غیرزبان خود دعوت نمایند»؛^۱ اما در این دوره از اهمیتی دوچندان برخوردار است.

از میان نظریه‌پردازان ویگوتسکی^۲ از جمله افرادی است که نقشی ضروری و لازم برای آموزش و تربیت در فرایند تحول ترسیم می‌نماید. آموزش متعهدانه و آگاهانه، نیروی محرک لازم را برای پیدایش تحول فراهم می‌کند (استپ،^۳ ۲۰۰۲، به نقل از: نوذری، ۱۳۸۹). در این دوره، والدین و مربیان باید نسبت به آموزش مفاهیم دینی، از جمله نماز و قرآن به کودکان اقدام نمایند. انجام این تکالیف تربیتی باید در فضایی مطبوع و دل‌انگیز و مبتنی بر تشویق صورت پذیرد و به دور از اجبارهای افراطی و تحمیل‌های گریزاننده باشد تا منجر به ادبار قلب کودک نسبت به عبادت نشود و او را از هدف اصلی که تقویت محبت کودک نسبت به خداست، دور نکند. یکی از وظایف اساسی والدین، آموزش و مانوس کردن کودک با نماز است. اگر از هفت‌سالگی والدین تنها با انجام اعمال عبادی، مانند نماز خواندن آن را نشان می‌دادند، از این سن پس باید به کودک نماز خواندن آموزش داده شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «علموا اولادکم الصلاة اذا بلغوا سبعا» (هندی، ۱۴۰۹ق،

۱. کونوا دُعاةً لِلنَّاسِ به غیر اَلسَّيِّئَاتِ... (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۷۸).

2. Vygotski, L. S

3. Estep, J. R

ص (۴۴۱)؛ آنگاه که فرزندان تا به هفت سالگی رسیدند نماز را به آنها بیاموزید. آموزش قرآن به کودک نیز از حقوق مسلم او به‌شمار می‌رود و بر آن تأکید شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: حق فرزند بر پدر آن است که به او قرآن بیاموزد (مروجی طبسی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۱).

۳-۳. ارتباط با گروه‌ها و اجتماعات مذهبی

جدول استنتاج شماره ۱۲

اهداف	گزاره‌های واقع‌نگر (ویژگی‌ها)
<ul style="list-style-type: none"> - زمینه‌سازی برای شکل‌گیری مناسب مواجهه کودک با خدا - آشنایی و ورزیده ساختن کودک برای انجام عبادات - ایجاد عادت‌های مطلوب در کودک - فراهم آوردن زمینه و بستر مناسب برای شکوفایی فطرت توحیدی کودک 	<ul style="list-style-type: none"> - شناخت از طریق حواس ظاهری و معطوف به امور محسوس است - تأثیر شرایط بر کودک - تقلید و پیروی از دیگران - برجستگی تمایلات و دلبستگی در کودک - داشتن انگیزه بیرونی در انجام عبادات - تمایل به پیوند با اجتماع و گروه
اصل:	
لزوم ارتباط کودک با گروه‌ها و اجتماعات ایمانی	

کودک از طریق ارتباط و حضور در برنامه‌های مذهبی که در مساجد، هیئت‌ها و دیگر سازمان‌های دینی برگزار می‌شود با آیین‌ها، مناسک، ارزش‌ها و معیارهای رفتار دینی آشنا می‌شود و شروع به درونی کردن آنها می‌نماید. پیوند کودک با اجتماعات مذهبی و تمایل به پذیرفته شدن توسط آنها، خود انگیزه‌ای قوی در گرایش کودک به سوی عبادت و خداست.

امام علی (علیه السلام) در حدیثی می‌فرماید: چه اندک پیش می‌آید که کسی خود را به گروهی شبیه سازد و جزء آنان نشود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۵۹۱). این نوع ارتباط تأثیر شگرفی در رشد معنوی کودک و رابطه او با خدا ایفا می‌کند. کودک با حضور در این فضا در می‌یابد که همگان رو به سوی قدرتی واحد دارند که تنها او ملجأ و پناه همه است. اجرای مراسم شکرگزاری گروهی در خانه پس از صرف غذا، حضور در مساجد، تکایا و برنامه‌های مذهبی، هم‌خوانی سرودها و نواهای معنوی، شرکت در اعیاد و جشن‌های مذهبی و... می‌توانند در ایجاد صفای باطن و ایجاد گرایش و جاذبه به سوی خدا نقشی ارزنده داشته باشند. در این برنامه استفاده مناسب از ابزارهای هنری و نمایشی اهمیت اساسی دارد که محرک قوه خیال و ذوق زیبایی‌گرایی کودک است و باعث تقویت و انتقال بعد جذابیت مفاهیم دینی می‌شود. معمولاً در برنامه‌های گروهی و معنوی، هر سه بعد شناختی و گرایشی و ارادی کودک فعال می‌شود و بستر ساز شکل‌گیری شخصیت توحیدی در فرد می‌شود.



نمودار ۱: اصول تربیت توحیدی در دوره تأدیپ

بحث و نتیجه‌گیری

رابطه انسان با خدا بر محور توحید و یگانگی تعریف می‌شود و توحید معیار تعیین کیفیت این رابطه است. تعلیم و تربیت صحیح باید بتواند انسان را در مدار معرفت و محبت خدا قرار دهد تا با اخلاص و ورزی و انجام عمل صالح به هستی مطلق و نهایت وجود، یعنی ذات مقدس حضرت حق، تقرب جوید. اصول تربیت توحیدی در دوره کودکی مبتنی بر دلالت‌های آیات و روایات در دو زیرمرحله سیادت و تأدیپ بررسی می‌شود. مبنای این تقسیم‌بندی نیز ظهور و بروز ویژگی‌های متفاوت در دوره تأدیپ در کودک است که عملاً الگوی تربیتی متفاوتی از دوره سیادت را اقتضا می‌نماید. در این دوره، ظهور روحیه اطاعت‌پذیری در کودک زمینه را برای آغاز آموزش رسمی مهیا می‌کند. به تدریج مؤلفه‌های شناختی و عاطفی نسبت به خدا متمایز و منسجم می‌شود که این قضیه خود را در گرایش تقلیدی به خدا متجلی می‌سازد. هرچند که تمایز و انسجام مؤلفه‌های تربیت توحیدی در دوره تأدیپ از وضعیت بهتری نسبت به دوره سیادت برخوردار است؛ اما به‌علت عدم توانایی کافی کودک در ایجاد ارتباط و تعامل بین این ابعاد و دستیابی به درکی کلی و معنادار این مرحله را نیز نمی‌توان در متن اصلی تربیت توحیدی قلمداد نمود و به‌عنوان زمینه‌سازی و تمهید نامیده می‌شود.

در خصوص تجویز آموزش مفاهیم دینی، از جمله مفهوم خدا در دوره کودکی، به‌طور عمده با دو رویکرد متفاوت مواجه هستیم. رویکردی که این‌گونه آموزش‌ها را غیر مفید و حتی نامطلوب قلمداد می‌کند و اصولاً سخن راندن از مفهومی مانند خدا را به‌عنوان مانعی در تحول فهم کودک قلمداد می‌کند و عدم شکل‌گیری تفکر انتزاعی در این دوره را دلیلی بر ادعای خود می‌داند که به‌طور ویژه متأثر از اندیشه‌ها و نظریات پیازه است. در رویکرد دیگر که بیشتر از دیدگاه‌های

ویگوتسکی متأثر شده، بر آموزش مستقیم و متعهدانه تأکید و بیان می‌شود که با نظر به منطقه تقریبی رشد و متناسب با آن در این دوره نیز می‌توان به ارائه آموزش‌هایی اقدام نمود.

نتیجه پژوهش حاضر حکایت از تطابق و سازگاری بیشتر آن با رویکرد دوم دارد؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد، آشنا نمودن کودک با خدا و یگانگی او از اولویت‌های ابتدایی تربیت دینی به‌شمار می‌رود و این مهم در احادیث فراوانی تأکید شده است. البته باید در نظر داشت که آموزش‌های ارائه شده در این دوره صرفاً جنبه‌آشنایی مقدماتی داشته و از پرداختن به مفاهیم عمیق، انتزاعی، فلسفی و استدلالی باید به‌جد پرهیز کرد. توجه به منطقه تقریبی رشد و اقتضائات آن و ضرورت برقراری رابطه دوسویه و تعاملی میان مربی و کودک از جمله شروط اساسی تجویز آموزش‌های دینی در این دوره است. افزون‌بر این، تفاوت دیگر در نادیده انگاشتن این واقعیت در رویکرد نخست است که مفهوم خدا ریشه در فطرت و درون کودک دارد و اصولاً امری خارجی و تحمیلی قلمداد نمی‌شود.

براساس نتایج این پژوهش، توحید امری مرحله‌ای و تحولی قلمداد می‌شود که متناسب با تحولات رشد و از برهم کنش و تعامل حوزه‌های گوناگون وجودی آدمی شکل می‌گیرد. سیر در مراتب توحید و یگانگی خدا در هر مرحله از حیات آدمی مستلزم تحول در الگوها و فرایندهای شناختی، عاطفی و عملی فرد است. از این‌رو، توجه به سطوح متعارف و مورد انتظار این مؤلفه‌ها در هر مرحله سنی و شناخت عوامل برانگیزاننده و متحول‌کننده آنها از اهمیتی فراوان در فرایند تربیت توحیدی برخوردار است.

از آنجا که این پژوهش بیشتر به بررسی عوامل و شرایط فردی تربیت توحیدی پرداخته، ضروری است به منظور تبیین بهتر تربیت توحیدی پژوهش‌هایی در زمینه بررسی تأثیر بافت و شرایط اجتماعی و نیز سنت‌های دینی و فرهنگی حاکم بر جامعه در روند تشکیل هویت توحیدی صورت پذیرد. بررسی روش‌های تربیت توحیدی در مراحل مختلف زندگی، آسیب‌شناسی فرایند تربیت توحیدی و انجام پژوهش‌های تجربی در خصوص الگوی شکل‌گیری هویت توحیدی از جمله زمینه‌های پژوهشی دیگر در این خصوص است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آزادمنش، سعید؛ نرگس سجادیه و خسرو باقری (۱۳۹۵)، «تیین اهداف و ملاحظات «تربیت» اخلاقی کودک با نظر به مفهوم عاملیت انسان در اندیشه اسلامی»، تربیت اسلامی، ش ۲۳، ص ۱-۲۵.
۳. باقری، خسرو (۱۳۸۸)، نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: انتشارات مدرسه.
۴. _____ (۱۳۹۰)، هویت علم دینی، تهران: انتشارات سازمان چاپ و انتشارات.
۵. باقری، خسرو؛ نرگس سجادیه و طیبه توسلی (۱۳۸۹)، رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۶. باهنر، ناصر (۱۳۷۸)، آموزش مفاهیم دینی همگام با روان شناسی رشد، تهران: انتشارات چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات.
۷. پناهیان، علی رضا (۱۳۹۰)، انتقال مفاهیم دینی به کودکان، برنامه سمت خدا، سایت بیان معنوی: <http://bayanmanavi.ir>.
۸. تراشویون، علی رضا (۱۳۹۴)، یاد دادن مفاهیم دینی به فرزندان، در مراحل مختلف سنی، سایت ثقلین: <http://thaqalain.ir>.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، قم: انتشارات اسراء.
۱۰. رحیمیان، محمدحسن و محمدتقی رهبر (۱۳۸۰)، آیین تزکیه، قم: بوستان کتاب قم.
۱۱. رزاقی، هادی (۱۳۷۹)، «تربیت بر مدار توحید»، مجموعه مقالات تربیت در سیره و کلام امام علی (علیه السلام)، تهران، ص ۱۶۴-۱۸۲.
۱۲. شورت، آدموند سی (۱۳۸۷)، روش شناسی مطالعات برنامه درسی، ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران، تهران: سمت.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۲، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. عاملی، شیخ محمدحسن حر (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه، ج ۱۲، قم: انتشارات مؤسسه آل بیت (علیهم السلام).
۱۵. عاملی، شیخ محمدحسن حر (۱۴۲۲ق)، اثبات الهداه، ج ۱، بیروت: مؤسسه الاعلمی.

۱۶. علم الهدی، جمیله (۱۳۷۹)، «غایت‌شناسی تربیت علوی»، مجموعه مقالات تربیت در سیره و کلام امام علی (علیه السلام)، تهران.
۱۷. علی‌خواه، لیلا (۱۳۸۸)، پایان‌نامه ساختار تربیت فطری در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، قم: دانشکده علوم و حدیث.
۱۸. فرهادیان، رضا (۱۳۹۰)، آنچه والدین و مربیان باید بدانند، قم: بوستان کتاب قم.
۱۹. فیض‌کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۷ق)، المحجة البيضاء، ج ۲، قم: انتشارات مؤسسه نشر اسلامی.
۲۰. قرآتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، ج ۷، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۱. قیصری، کیومرث (۱۳۹۶)، ارائه الگوی تربیت توحیدی براساس آموزه‌های قرآن و ائمه اطهار (علیهم السلام) در دوره‌های سه‌گانه سنی، پایان‌نامه، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
۲۲. قیصری‌گودرزی، کیومرث و احمد سلحشوری (۱۳۹۷)، «اصول تربیت توحیدی در دوره کودکی (مرحله سیادت)»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و ششم، دوره جدید، ش ۴۰، پاییز، ص ۳۷-۵.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، ج ۲، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، ج ۲، بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۵)، میزان الحکمه، ج ۱ و ج ۳، قم: انتشارات مؤسسه علمی، فرهنگی دارالحدیث.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴)، حکمت‌نامه کودک، ج ۱، قم: انتشارات مؤسسه علمی، فرهنگی دارالحدیث.
۲۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵)، نهج‌الذکر، ج ۱، قم: انتشارات مؤسسه علمی، فرهنگی دارالحدیث.
۲۸. مروجی طبسی، محمدجواد (۱۳۸۸)، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیهم السلام)، قم: بوستان کتاب قم.
۲۹. مشایخی، شهاب‌الدین (۱۳۸۱)، «اصول تربیت از دیدگاه اسلام»، مجله حوزه و دانشگاه، روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۳۲، ص ۵۰-۶۸.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹)، خداشناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام).
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، پیام قرآن، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، پیام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۱۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۶)، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱۶، تهران: دارالکتب اسلامیه.
۳۵. منصور، محمود (۱۳۸۳)، روان‌شناسی ژنتیک، تهران: سمت.
۳۶. نصیرزاده، راضیه و حسین چاری (۱۳۸۶)، «تفاوت‌های جنس، سن و وضعیت اقتصادی-اجتماعی در باورهای مذهبی کودکان»، فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، سال ۴، ش ۱۳، ص ۵۳-۶۷.
۳۷. نوذری، محمود (۱۳۸۹)، «بررسی تحول ایمان به خدا در دوره کودکی، نوجوانی و آغاز جوانی»، پایان‌نامه دکتری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام).
۳۸. هندی، علاءالدین علی ابن حسام‌الدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱۶، بیروت: انتشارات مؤسسه الرساله.